

جهانی شدن و برنامه درسی

(اهداف، محتوا و راهبردهای یاددهی و یادگیری)

مؤلفین:

عباس شایسته فر

هیات علمی دانشگاه پیام نور

دکتر سید ابراهیم میرشاه جعفری

سعیده دهقانی



تأیید شده - ۱۳۹۸

سرشناسه	: شایسته‌فر، عباس، ۱۳۵۷-
عنوان و نام پدیدآور	: جهانی شدن و برنامه درسی (اهداف، محتوا و راهبردهای یاددهی و یادگیری)/مؤلفین عباس شایسته‌فر، سیدابراهیم میرشاه‌جعفری، سعیده دهقانی.
مشخصات نشر	: تهران: نارون دانش، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۳ ص.: نمودار.
شابک	: 978-622-6632-75-1
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: آموزش و پرورش و جهانی شدن
موضوع	: Education and globalization
شناسه افزوده	: شاه جعفری، سیدابراهیم، ۱۳۴۰-
شناسه افزوده	: دهقانی، سعیده، ۱۳۵۹-
رده بندی کنگره	: ۳۷۱.۱
رده بندی دیویی	: ۳۷۱.۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۷۵۹۸۰۴

آدرس: میدان انصاری اسلام، خیابان کارگر شمالی، خیابان نصرت شرقی، پلاک ۱۱۱ شماره تماس: ۰۲۱۶۶۹۳۲۴۵ و ۰۹۲۲۴۰۳۷۰۴ آدرس الکترونیک: narvanpub@gmail.com آدرس سایت: www.narvanpub.com	
---	---

عنوان کتاب: جهانی شدن و برنامه درسی (اهداف، محتوا و راهبردهای یاددهی و یادگیری)	مؤلفین: عباس شایسته فر، دکتر سید ابراهیم میرشاه جعفری، سعیده دهقانی
صفحه‌آرا: اکرم ملک نژاد	طراح جلد: الیرا صیامی
ناشر: انتشارات نارون	شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۸	قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان
ISBN: 978-622-6632-75-1	

فهرست مطالب

۷	مقدمه.....
۹	جهانی شدن.....
۱۶	اصول و ابعاد جهانی شدن.....
۱۸	نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلف راجع به جهانی شدن.....
۲۰	حوزه جامعه‌شناسی.....
۲۲	حوزه سیاسی.....
۲۳	رنالیسم.....
۲۳	لیبرالیسم کثرت‌گرا.....
۲۴	نظام نوین جهانی.....
۲۴	حوزه اقتصادی.....
۲۷	نتایج و پیامدهای جهانی شدن.....
۳۱	جهانی شدن و آموزش.....
۳۶	جهانی شدن و تأثیر بر توسعه و نیازهای آموزشی.....
۴۰	جهانی شدن و برنامه درسی.....
۴۴	دانش محلی و جهانی در جهانی شدن.....
۵۰	جهانی شدن یادگیری.....
۵۴	یادگیری متعهدانه در برنامه ریزی درسی.....
۶۱	یادگیرنده متعهد.....
۶۱	زمینه‌های ذهنی و نگرشی لازم برای برقراری یادگیری متعهدانه.....
۷۸	تعلیم و تربیت اجتماعی و سواد اجتماعی.....
۸۴	برنامه درسی مدرسه.....
۸۷	برنامه درسی درهم تنیده.....
۹۷	پیوستار برنامه درسی.....
۱۰۴	هدف‌های برنامه درسی در عصر جهانی شدن.....
۱۰۷	محتوای برنامه درسی در عصر جهانی شدن.....

۱۱۷	 راهبردهای یاددهی و یادگیری در عصر جهانی شدن
۱۲۳	 نتیجه گیری
۱۲۹	 منابع

www.ketab.ir

مقدمه

جهانی شدن واژه‌ای است که امروزه در جوامع جنوب منجر به بروز چالش‌هایی شده است. این شرایط به ویژه برای بخش آموزش و پرورش و نظام تعلیم و تربیت، مسائل جدیدی از قبیل؛ تغییرات سریع، بازسازی برنامه‌ها، اسفالت انبوه دانش‌های قدیم و جدید، مسائل مدیریت و سازماندهی را به وجود آورده است (ربار، مدین، ۱۳۸۲). در عرف عام، رسالت یک نظام آموزشی فراهم کردن امکانات تعلیم و تربیت فردی، اجتماعی و حرفه‌ای برای تسهیل رشد نیروی انسانی، توسعه شهروندی و آماده سازی آنها برای حرفه‌های گوناگون است (خراسانی، ۱۳۸۱).

با توجه به افزایش ارتباطات و پیشرفت وری و همچنین کاهش فاصله‌ها باید این گونه بیان کرد که نظام‌های نوین آموزشی در عصر اطلاعات دیگر نیاز به مکان واحدی برای آموزش و یادگیری دانش آموزان و حتی افراد دیگر در جامعه ندارند و ناصله‌های ارتباطی بین دانش آموز و معلم از طریق رسانه‌ها و وسایل رایانه‌ای و اینترنت، کاسته خواهد شد.

مفهوم جهانی شدن باید از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گیرد. این جهانی شدن را ناشی از پیشرفت‌های تکنولوژیکی و سرعت تحولات IT, ICT و تا حدود زیادی بحث‌های روز نانوتکنولوژی می‌دانند که باعث شده خواه ناخواه در دنیایی زندگی کنیم که همه انگار در روستایی هستیم و از حال همدیگر خبر داریم. بنابراین همان استعاره بسیار معروف دهکده جهانی به یک معنا به این نگاه دیده می‌شود. با توجه به این رویکرد، برنامه درسی باید انسان‌ها را برای ورود

به این دنیا آماده کند تا به جای شهروند بومی به عنوان شهروند جهانی^۱ زندگی کنند مثلاً؛ اگر در ایران زندگی می‌کند و وارد کشور دیگری شد به قوانین و فرهنگ متفاوت آن کشور احترام بگذارد و آنها را نادیده نگیرد. بنابراین در یک معنا جهانی شدن یعنی زندگی در یک بافت که همه با همدیگر ارتباط دارند و باید افراد را آماده کنیم تا در چنین ارتباطی حقوق خودشان را بدانند. اما برداشت دیگری از جهانی شدن وجود دارد و به معنای ترویج و شرح و بسط^۲ فرهنگ آمریکایی است ما مواردی^۳ که صادق جهانی شدن می‌دانیم عبارتند از کارت‌های اعتباری فروشگاه‌هایی مثل مک دونالد و فروشگاه غذای آماده^۴ مثل ساندویچی‌ها مثل مواردی که مک دونالدی‌ها در سراسر دنیا ایجاد کرده‌اند. برخی معتقدند که جهانی شدن یعنی ترویج فرهنگ آمریکایی در مقابل فرهنگ‌های دیگر غربی، فرهنگ‌های آسیایی، هندوچین و روسیه و مناطق دیگر. بنابراین، در این معنا، جهانی شدن به معنای غلبه یک فرهنگ بر فرهنگ‌های دیگر و برتری نسبت به فرهنگ‌های دیگر است که با نگاه لیبرال دموکراسی به جهان نگاه می‌کند و کتاب معروف پایان تاریخ^۵ که می‌گوید ما ختم تاریخ هستیم. ما هستیم که در واقع بهترین شکل حکومت را به جهان عرضه می‌کنیم و همه باید مثل ما باشند یا همین حرف جرج بوش^۶ که با ما هستید یا بر علیه ما. یا نظریه برخورد تمدنها از هانتینگتون که معتقد است که تمدن آمریکا و غرب مجبور است با تمدنهای در حال ظهوری مثل اسلام، هندوچین کنفوسیوس که با همدیگر متخاصم^۷ هستند، برخورد بکند برای آنها یک نوع نگاه جهانی شدن است. به این معنا که همه باید مثل ما فکر کنند و مثل ما لباس بپوشند. یعنی ما شکل برتر را داریم. این نگاه در مقابل ملی‌گرایی^۸ قرار می‌گیرد. در کشورهای مثل فرانسه که مردم عاشق زبان و فرهنگ خود هستند با این دیدگاه خیلی مخالفند و حتی پیوستن

-
1. Global citizen
 2. Elaboration
 3. Fast food
 4. The end of history
 5. Nationalism

به یورو^۱ را به سختی به این کشور تحمیل کردند. مردم سوئد هنوز یورو را قبول نکرده‌اند. این‌ها همه نگاه ملی‌گرایی در برنامه درسی می‌باشد.

باید گفت که جهانی شدن یعنی چه و تعریف ما از جهانی شدن چیست. چون جهانی شدن تاریخچه و تعاریفی دارد و این تعاریف بعضاً گاهی در تقابل با هم هستند. موضوع نسبتاً پیچیده‌ای است. گاهی جهانی شدن به معنای بین‌المللی شدن^۲ به کار می‌رود، گاهی به معنای غربی سازی^۳ در نظر گرفته می‌شود و گاهی به معنای همگرایی اقتصاد جهانی و تبدیل آن به یک نظام واحد. تعاریف گوناگون است. گاهی اوقات جهانی شدن به معنای فشردگی زمان و مکان و در واقع قلمروزدایی و مرزبرداری در حوزه فرهنگ و اقتصاد و حتی سیاست تعریف می‌شود که دارای ابعاد مختلف (۱) سیاسی (۲) اقتصادی و (۳) فرهنگی می‌باشد.

جهانی شدن

مفهوم و ماهیت

جهانی شدن وسعت و قوت جهان به هم پیوسته را توصیف می‌کند که به تدریج از جنگ جهانی دوم اتفاق افتاده است و اکنون به مرحله‌ای رسیده است که تقریباً "هیچ فردی به طور کامل از حوادثی که خارج از کشورش سرچشمه می‌گیرد در امان نیست" و مشخص نشده است که چرا و برای چه در گذشته تحت عناوینی مثل تجارت بین‌المللی، مهاجرت و دیپلماسی تعریف و تحلیل شده است (استوارت، ۱۹۹۶).

جهانی شدن به زبان ساده فرایند اجتماعی شدن، انسجام، پذیرش مردم، تحمل عقاید آنان و سازگاری و حسن سلوک با مردم به طور متقابل است. جهانی شدن؛ در یک متقابل^۴ و تفاهم

1. Euro
2. Internationalization
3. Westernization
4. Mutual understanding

سازگار به منظور ایجاد ارتباط منطقی و اثربخش که به تعامل اجتماعی^۱، فرهنگی، اقتصادی، آموزشی و زیست محیطی صرف نظر از نژاد، جنس، آیین و قومیت‌های گوناگون منتهی می‌شود، می‌باشد. با تجزیه و تحلیل این تعریف؛ برای فراهم سازی بستر فرهنگی جهانی شدن و یکپارچگی، نیاز به ایجاد مراکز یادگیری و آموزش دانشگاهی احساس می‌شود که کلید آن در دست رهبران آموزشی است که با استفاده از الگوی مدیریت مشارکتی^۲ یعنی کار با مردم و برای مردم و ارتباط متقابل دانشگاه^۳، سرعت از طریق آموزش‌های کافی و روزآمد به مثابه فرایندی عظیم، میان مرزهای سنتی^۴ و فرهنگ‌های گوناگون نظام آموزشی^۴ پیوند نزدیک‌تری برقرار سازد (کرمی پور، ۱۳۸۲).

به اعتقاد طاهری (۱۳۸۱) جهانی شدن به عنوان فرایندی درازمدت، از قرن ۱۶ و ظهور سرمایه داری مرکاتیلیسم، آغاز و در دهه ۱۹۹۰ در گفتمان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی متداول شد. ولی پیشینه تاریخی آن به گذشته باستانی می‌گردد. اتفاقات قابل توجهی، نظیر طراحی اولین خط تلگراف (۱۸۶۴)، ایجاد اولین سازمان بین‌المللی با اتحادیه جهانی تلگراف (۱۸۸۴)، اولین ارتباط بین المللی تلفن بین لندن و پاریس (۱۸۹۱)، ایجاد اولین برنامه خدمات فراملی هوایی (۱۹۱۹)، اولین پخش رادیویی بین المللی (۱۹۳۰)، تأسیس سازمان ملل (۱۹۴۵)، اولین رایانه بین المللی الکترونیک (۱۹۴۶)، اولین خط تلفن بین المللی (۱۹۵۶)، استفاده راه‌آهن ماهواره ارتباطی (۱۹۶۲)، انتشار کتاب دهکده جهانی توسط مک لوهان (۱۹۶۵)، اولین شبکه رایانه‌ای (۱۹۶۹)، اولین کنفرانس مسائل محیط زیست جهانی توسط سازمان ملل متحد و اولین هواپیمای پخش مستقیم (۱۹۷۶)، استفاده از فیبر نوری (۱۹۷۷)، انتشار کتاب موج سوم توسط آلون تافلر (۱۹۷۸)، ایجاد اینترنت (۱۹۹۱) و اتحادیه پولی یازده کشور اروپایی (۱۹۹۸) و غیره، همگی از پیش زمینه‌های بروز پدیده‌ای است که آثار عظیمی بر جای گذارده‌اند و هر چه می‌گذرد شدت و قدرت آن افزوده

-
1. Social interaction
 2. Participative management
 3. Traditional boundaries
 4. Academic discipline

می‌شود.

بحث درباره جهانی شدن به معنی کلان و شفاف آن از دهه آغازین قرن بیستم به بعد رواج یافت و به دو جریان فکری متمایز منجر شد:

الف: جریان نخست اوایل دهه ۱۹۱۰ تا اواخر دهه ۱۹۸۰ را شامل می‌شود که در بطن خود مباحثی چون استعمار و نابرابری در ابعاد فرهنگی، نظامی و اقتصادی (مؤلفه‌های اصلی قدرت در عرصه جهانی) را مطرح ساخته است. این دوران، دوران اوج نظریه پردازان مارکسیسم و جامعه شناسان چپ‌گرا و رادیکال بوده است.

ب: جریان دوم ز دهه ۱۹۸۰ شروع و در دهه ۱۹۹۰ به اوج خود رسید. در این دوره جهانی شدن از منظر یک واقعیت اجزایی و در قالب نظم نوین جهانی مطرح شد. این جریان فکری دارای سه ویژگی مهم است. اول اینکه جهانی شدن را مثبت ارزیابی می‌کند. دوم اینکه از دید کارکرد گرایانه به آن می‌نگرد و سوم آنکه بر خلاف جریان فکری نخست، فاقد ارزش داوریهایی سیاسی و اخلاقی است (سجادی، ۱۳۸۲).

پیدایش نظام نوین ارتباطات الکترونیکی که عرصه آن نظام جهانی است و ویژگی‌اش یکپارچه سازی همه رسانه‌های ارتباطی و تعامل بالقوه است؛ در حال تغییر فرهنگ‌ها است و آنها را دگرگون می‌کند. از این منظر جهانی شدن، تمدن اطلاعاتی را بنا می‌کند. انکای آن به زمین، سرمایه یا مواد خام نیست بلکه مبتنی بر نیروی خلاقیت بشری و نبوغ و ابتکار اوست. معانی که دانش در آن منبع ارزش قلمداد می‌شود و به همان گونه که در جامعه صنعتی سرمایه و کار عوامل اصلی تولید را تشکیل می‌دادند؛ در جامعه اطلاعاتی، دانش عامل اصلی تولید به شمار می‌آید (امام جمعه، ۱۳۸۳).

پیشینه ادبی در مورد جهانی شدن خیلی وسیع نیست اما در حال رشد است و بعضی ایده‌ها پیش از این ذکر شده‌اند. ایلون^۱ بیان می‌دارد که جهانی شدن چیزی بیش از سازگاری و هماهنگی

عادلانه تعلیم و تربیت است و کل نظام اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده است (ایلون به نقل از گاندرتون^۱، ۱۹۹۶، ص ۳۹۴).

جهانی شدن یک واقعیت یا پدیده نوظهور نیست، بلکه روندی است که به مدت بسیار طولانی جریان داشته است. در واقع از زمانی که سرمایه داری به عنوان یک شکل قابل دوام جامعه انسانی پا به جهان گذارد، یعنی از چهار یا پنج سده پیش تا کنون، جهانی شدن هم جریان داشته است. امروزه ما شاهد عملیات آغازین یک موج سوم ویرانگری جهان در راستای گسترش طلبی امپریالیستی هستیم که در نتیجه فروپاشی نظام شوروی و رژیم‌های ملی-پوپولیستی^۲ جهان سوم، تقویت شده است. هدف‌ها سرمایه مسلط هنوز همان هدف‌های گذشته است- کنترل جریان گسترش بازارها، غارت منابع طبیعی کره زمین و استثمار ذخایر کار مناطق مجاور- اگرچه این هدف‌ها در شرایطی جدید دنبال می‌شوند رکنی از برخی جهات با شرایطی که مشخص کننده مرحله پیشین امپریالیسم می‌باشد، خیلی متفاوت است (مک‌گ دان و همکاران، ۱۳۸۰، ص ۱۸).

سال‌ها پیش، آرنست^۳، عالم و فیلسوف سیاسی، می‌پنداشت که رویدادی در ۱۹۵۷ وضعیت بشری را برای همیشه تغییر داده است: ماهواره شوروی که در مدار زمین می‌چرخید، تصویرهایی از زمین مخابره کرد که پیش از آن هیچ گاه دیده نشده بود. مک‌گ دان و همکاران، اندیشمند کانادایی، پیش بینی کرد که پیشرفت ارتباطات، دهکده‌ای جهانی متشکل از بشر پراننده در پنج قاره ایجاد خواهد کرد. با شبکه جهانی که چهار گوشه عالم را به هم مرتبط ساخت، این پیش‌بینی به تحقق پیوست که به جهان گسترتری معروف شده است. عصر اطلاعات و ارتباطات ابزارهای دست یافتن به تعامل و ارتباط موفقیت آمیز را به وجود آورده است و مهم‌تر از آن، از اهمیت مرزها فروکاسته است. بر اثر انقلاب اطلاعاتی، جهان به راستی به یک گوی تبدیل شده است (رجایی، ۱۳۸۲، صص ۲۸-

1. Ganderton
2. Populists
3. Argent

گاندرتون (۱۹۹۶) در تحقیقی چهار پدیده نزدیک و وابسته به هم را که تحت چتر جهانی شدن می‌تواند بیاید را بیان کرده است که عبارتند از:

۱. جهانی شدن: کاربرد یا سازماندهی یک مدل آموزشی از طریق یک کشور (شرایط یا مفاهیمی که بخشی از آن ملت یا سازمان هستند) در کشور دیگر. این برابری آموزشی از سیاست استعماری می‌باشد.

۲. جهان‌شمولی^۱: کاربرد و استعمال ساخت ذهنی همانند در ملت‌های مختلف که از این رو تعلیم و تربیت در یک شرایط یکسان مشاهده می‌شود. برای مثال؛ تعیین یک مدل مالی یکسان.

۳. همگرایی^۲: در اینجا به منظور مفهوم داروین می‌باشد یعنی تکامل و رشد راه حل‌های یکسان برای مسائل مشترک در سیستم‌های نامرتب.

۴. تقلید (همرنگی پنهانی)^۳: طرفداران یا پیروان یک سیستم در کشور دیگر با امید به کسب یک سری از فواید، همانطوریکه برای همان سیستم در کشور متقابل اتفاق می‌افتد.

پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد شوروی سابق، رشد شدید روند جهانی شدن نقش اساسی داشت و زمینه‌های بسط و گسترش وجوه مختلف آن را بیش از پیش فراهم ساخت. باید گفت این مفهوم شباهت نسبی به مقوله وابستگی متقابل^۴ که در دهه ۱۹۷۰ تا دهه ۱۹۸۰ مطرح گردید دارد. ویژگی مشترک بین وابستگی متقابل و جهانی شدن عبارتند از:

- مجاری چند گانه برای ارتباط میان جوامع گوناگون؛
- گوناگونی و تنوع روابط بین کشورها و حاکم نبودن سلسله مراتب خاص بین آنها؛
- عدم توسل به کاربرد نیروی نظامی بر ضد همدیگر در میان دولت‌ها (قریب، ۱۳۸۰).